



به محضر مقدس رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی - روحی فداه - سلام علیکم؛

از آنجا که مایل نیستم در این شرایط حساس وقت شریف را تصدیع نمایم، بدون مقدمه سخنانم را آغاز می‌کنم.

من مادر یک شهید به نام سید علی‌اصغر کیا از خیل عظیم شهیدان اسلام عزیز هستم.

خود در اوایل زندگی بر اثر حادثه‌ای همسر عزیز خود را که از سادات بود از دست دادم و با چهار فرزند به یادگار از آن مرحوم مانده زندگی را ادامه دادم و یکی از آنها را در جنگ تحمیلی تقدیم اسلام و آن حضرت نمودم و اکنون نیز آماده انجام تکلیف می‌باشم.

اماما، پیام پر از درد و محنت شما در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ آسایش را از روح و جسم ملت ایران و مستضعفان جهان، بویژه خانواده شهیدان گرفت و مطمئن باشید که آنها هم همان‌گونه که فرمودید آن را مانند جرعه زهری نوشیدند؛ ولی تحمل هر چیزی برای رضای خدا و مصلحت اسلام عزیز گواراست.

دشمنان قسم خورده اسلام عزم خود را جزم نموده‌اند که دین مقدس اسلام را منهدم و نابود نمایند و این را از اجداد و پیشینیان پلید خود به ارث برده‌اند.

اما زهی خیال باطل.

خدایا تو شاهد باش که ما هم با تاسی به پیشوایان بزرگمان همچون ابراهیم و محمد و علی و زهرا و فرزندان معصومان - صلوات الله علیهم اجمعین - و با تقلید از مرجع و ملجأ عظیم الشان انقلاب عزم خود را جزم نموده‌ایم که تا آخرین نفر و آخرین نفس با اهداف نامبارک آنها مبارزه کنیم.

اماما، راهپیمایی روز عید غدیر ثابت کرد که مردم شریف ایران مرگ را تحمل می‌کنند ولی ننگ خواری و ذلت در مقابل دشمنان اسلام را نه.

آنها با این حضور نشان دادند که همواره گوش به فرمان رهبر الهی خود هستند و این اطاعت را به حکم آیه شریفه «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول» تکلیف شرعی خود می‌دانند.

اماما، مبدا که شرایط روز دامن کبریایی شما را غبارآلود و دل مبارکتان را رنجور نموده باشد.

ما به شما اطمینان می‌دهیم که با اشک چشمانمان، دامن و دلتان را شستشو و با خونمان، نه‌ری و با اجسادمان، سدی در مقابل دشمنان اسلام ایجاد خواهیم کرد که در آن غرق و زمینگیر شوند.

اماما، این جانبه هدیه‌ای ناقابل را که ذخیره نموده و ده‌ها فکر و خیال برای مصرف آن جهت رفاه خود و فرزندانم داشتم، به منظور رفع نیاز جبهه‌های جنگ تقدیم می‌نمایم.

همچنین نذر نموده‌ام که حقوق شش ماه خود را تقدیم نمایم.

لذا اکنون هدیه مذکور «یک قطعه دستبند طلا» را به همراه مبلغ سی هزار ریال «حقوق یک ماه» تقدیم و بقیه را نیز تحویل خواهم داد.

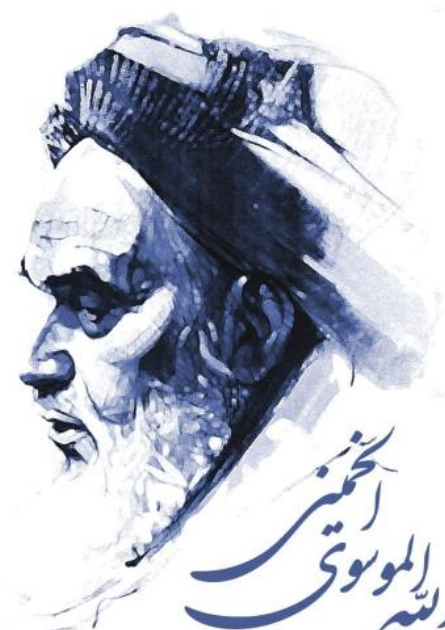
ان شاء الله.

در خاتمه آرزوی دعای خیر و تقاضای عاجزانه دارم که با دستخط مبارک «ولو کوتاه» جواب نامه را مرقوم فرمایید.

از خداوند تبارک و تعالی، به همراه همه مستضعفان و مسلمین و شیعیان طول عمر آن حضرت را با سلامت کامل خواهانم.

حاجیه شمسی نورانی، از طلاب علوم دینی و از خدمتگزاران امداد امام خمینی کاشان،
والده شهید سید علی‌اصغر کیا

و السلام علیکم و رحمه الله



فرزند عزیزم، خانم حاجیه شمسی نورانی؛
نامه پر احساس شما را خواندم.
از شما و افرادی مانند شما نمی‌دانم چگونه باید
قدردانی کرد.
من که در مقابل این همه محبت و صفا غیر از
تشکر و دعا کاری نمی‌توانم انجام دهم.
دستبندت را برایت می‌فرستم تا از جانب من
هدیه‌ای باشد برای تو؛ و معادل آن را با نذر حقوق
شش ماهه‌ات را من خود به جبهه می‌فرستم.
از قول من به فرزندان عزیزت، این عزیزان ملت
شریف ایران، سلام گرمم را برسان.
خدا یار و نگهدارت باد.

روح الله الموسوی الخمینی